

آکادمیین شرعی جوزجانی

از مخالفت تنگی یاسی سن 48 سال قبل

فرمان شماره هشتم

درباره اصلاحات ارضی جوانب مثبت و منفی این فرمان

قسمت دوم

قسمت دوم اصلاحات ارضی در افغانستان

مهمترین مسئله مربوط به اصلاحات اجتماعی بر طبق وعده ای که در برنامه حزب داده شده بود، آغاز ریفورم ارضی دموکراتیک بود. بدین منظور به وزارت زراعت وظیفه داده شده بود تا لایحه اصلاحات ارضی را در متن یک فرمان بادر نظر داشت شرایط خاص کشور تدوین نماید. این کار صورت گرفت و متن فرمان شماره هشتم مبنی بر تطبیق اصلاحات

ارضی در کشور به همکاری مشاورین شوری تدوین و برای ارزیابی قانونی به وزارت عدلیه فرستاده شد.

در جریان این کار مشاورمن در امور عدلی سلطان رجبوف سابق وزیر عدلیه تاجکستان که رهبری دسته سه نفری مشاورین عدلیه، ثارنوالی و قضا را بر عهده داشت، کاپی سندی را که اکادمیسین واحد زاهدوف به وی سپرده بود (شاید به توصیه شرف رشیدوف رهبر حزبی و دولتی اوزبیکستان) به من داد و گفت که شما هم میتوانید ازین تجربه که در زمان خودش خیلی مؤثر بود استفاده کنید.

اکادمیسین زاهدوف از شخصیت‌های بسیار مهم و نزدیک به شرف رشیدوف و رئیس «جمعیت وطن» بود که با اوزبیکان خارج از کشور روابط فرهنگی وسیع داشت و جریده ای به نام «آیدین» به زبان اوزبیکی و خط عربی نشر میکرد که بعضا اشعار و مقالات اوزبیکان برون مرزی نیز در آن به چاپ میرسید.

سند مذکور کاپی فیصله بالاتفاق عده زیادی از علمای معروف دینی تورکستان بود. آنها پس از بحث و فحش زیاد با استناد بر اقوال علمای بزرگ مذهب حنفی فتوا داده بودند که در صورت ضرورت، استملاک زمینهای شخصی افراد به نفع عامه مردم جواز دارد و در آخر صفحه نام خود را نوشته، مهر و امضا کرده بودند.

دولت شوروی با آنکه بر حدود خود تسلط کامل داشت، این فتوا را به خاطر اطمینان روحی عامه مردم گرفته و نشر کرده بود. من متن فرمان را گرفته نزد تره کی رفتم و مضمون آنرا به وی توضیح داده گفتم رفیق تره کی! دولت شوروی با وجود آن که در سراسر کشور مسلط بود و اصلاحات ارضی رادیکال را تطبیق کرد، ضرورت گرفتن این فتوا را احساس کرده بود و

توانست جلو ملاحای متعصب را بگیرد. ما که هنوز در آغاز اصلاحات اجتماعی قرار داریم، خوب میشود اگر جلسه ای از علمای روشنفکر تشکیل داده، در زمینه عدم مخالفت اصلاحات ارضی با قوانین اسلام فتوا بگیریم. البته این اقدام تا حدودی دهان ملاحای متعصب را بسته میکند و جلو فعالیتهای تخریبی شانرا میگیرد.

تره کی که خیلی مغرور و مطمئن بود گفت: دوی غوالی چه زمونژ انقلاب خراب کی.

من اصرار کرده گفتم، رفیق محترم، ما تجربه تلخ تاریخی امان الله خان را در اختیار داریم. اگر او در اصلاحات اجتماعی خود با حلقات مذهبی به توافق میرسید، اصلاحات او به شکست مواجه نمیشد. حلقات ارتجاعی به حمایه و تحریک انگلیسها موفق شدند با تحریف اصول اسلام و استفاده از احساسات مذهبی مردم دسایس خود را عملی کنند و دولت اورا سرنگون بسازند. اما تره کی صاحب سخت معتقد بود که دهقانان از اصلاحات ارضی ما شدیداً حمایه میکنند.

چند روز بعد وزیر زراعت شادروان صالح محمد زیری متن فرمان شماره هشتم مبنی بر اجرای اصلاحات دموکراتیک ارضی را که به همکاری مشاورین شوروی تهیه گردیده بود با خود آورد و به من داد تا هرچه زودتر پروسه ارزیابی آنرا توسط ریاست تقنین طی کرده به وزارت زراعت بفرستم. گفتم این کار نسبتاً زمانگیر است. با آنهم کوشش میکنم.

در همان روز یک هیئت با صلاحیت از ورزیده ترین حقوقدانان ارگانهای عدلی وقضایی تشکیل داده متن فرمان را مورد

بررسی و ارزیابی قرار دادیم. طی چند روز بحث و تدقیق به این نتیجه رسیدیم که فرمان با در نظر داشت شرایط اجتماعی افغانستان خیلی رادیکال است، حتی نسبت به اصلاحات ارضی

جمال عبدالناصر و فیدل کاسترو رادیکالتر است.. مثلاً در قانون دوم کوبا مالکیت خصوصی یک خانواده بر زمین 68 هکتار (360 جریب) تعیین گردید و در مصر در آخرین مرحله اصلاحات، یک خانواده میتواند تا 50 فدان (معادل 105 جریب) داشته باشد. اما در متن قانون تهیه شده حد اقل مالکیت زمین برای هر خانواده دهقان یک هکتار (5 جریب) و برای مالک اراضی وسیع 30 جریب (6 هکتار) تعیین گردیده بود و این پرابلمهای زیاد تولید میکرد.

دوام دارد